

وکیل در ظهنویسی وکالتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۶
سولماز قنبری کیوی^۱

چکیده:

در ظهنویسی وکالتی، وکیل نقش بسیار اساسی در پیشبرد هدف موکل دارد و بر اثر قراردادی که با صاحب سند تجاری یا وکیل از جانب او منعقد می‌کند، سعی در انجام مورد وکالت، به نحو تام و تمام، می‌باشد. بدیهی است بر رابطه وکیل و موکل رابطه قراردادی حکم فرماست که محدوده وکالت را حسب قانون، قواعد امره مشخص می‌کند و برخی محدودیت‌ها و نیز مورد وکالت را دقیقاً قرارداد، تعیین می‌کند به طوری که طرفین نمی‌توانند قرارداد را برخلاف قواعد امره تنظیم نمایند. وکیل در صورت تخلف، مسئولیت خواهد داشت و این مسئولیت را قانون یا قرارداد فی‌مابین مشخص می‌کند. برخی از موارد مقرر در قانون و قرارداد فی‌مابین، موارد پایان وکالت را مشخص می‌کند از جمله آن‌ها، عزل وکیل و ورشکستگی وکیل است.

واژگان کلیدی: سند تجاری، ظهنویسی، وکالت، ظهنویسی وکالتی، حدود وکالت، مسئولیت وکیل، پایان وکالت.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی.

مقدمه:

ظهنویسی به عنوان وکالت که ظهنویسی برای وصول نیز نامیده می‌شود، عبارت است از این که دارنده برات بدون آن که مالکیت برات را به دیگری واگذار کند با ظهنویسی شخص دیگری را مأمور می‌کند که وجه آن را در سررسید از برات‌گیر وصول نماید. ظهنویسی به عنوان وکالت و برای وصول، امروزه خیلی معمول است و اغلب تجار با ظهنویسی برات به نام بانک‌هایی که در آن‌ها حساب جاری دارند، وصول وجه برات خود را به بانک‌ها محول می‌نمایند و بانک در مقابل دریافت حق‌العامل، وجه برات را وصول نموده و به حساب مشتری منظور می‌دارد.^۱

ماده ۲۴۷ ق.ت. مقرر می‌دارد: «ظهنویسی حاکی از انتقال برات است. مگر این که ظهنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده، ولی دارنده برات حق وصول و لدی الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت، جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.»

ظهنویسی ساده، در اصل، وسیله‌ای برای انتقال است^۲ که با امضا که معرف عمل ظهنویسی است، انجام می‌شود ولی اگر شخصی خواست از این منطق عدول کند و از طریق ظهنویسی آنچه که انتقال می‌دهد حقوق ناشی از وصول و انجام دعوا باشد، باید این امر را به‌صراحت در ظهنویسی قید کند و الا ظهنویسی حاکی از انتقال خواهد بود. در مورد ظهنویسی برای وصول یا به عنوان وکالت، دارنده برات (که برات به نام او ظهنویسی شده) وکیل ظهنویس است که در حقیقت، دارنده برات است و به عنوان وکیل

۱. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، انتشارات دادگستر، ج. ۳، چ. ۹، ۱۳۸۵، ص. ۶۲؛ حسنی، حسن، حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث) انتشارات میزان، چ. ۶، ۱۳۸۷، ص. ۴۸۸؛ ملک زاده، فهمیه، فرهنگ حقوق تجارت، انتشارات دادگستر، چ. اول، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۶ و نیز ر.ک.: اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته،...)، انتشارات سمت، چ. ۹، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۱؛ عرفانی، محمود، حقوق تجارت، انتشارات جنگل، ج. ۳ (اسناد تجاری)، چ. اول، ۱۳۸۸، ص. ۳۶؛ بهرامی، بهرام، حقوق تجارت کاربردی، انتشارات بینه، چ. ۳، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۶؛ عبادی، محمد علی، حقوق تجارت، انتشارات گنج دانش، چ. ۳۰، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۳؛ کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، انتشارات گنج دانش، چ. ۱۲، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۰؛ محمدی، جلیل، حقوق بازرگانی، انتشارات فروزش، چ. اول، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۲.

۲. صقری، محمد، اسناد بازرگانی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ. ۲، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۰.

باید حساب عملیات خود را به موکل دهد و در صورتی که وظایف وکالت خود را انجام ندهد، یعنی اقدام لازم برای وصول وجه برات و تعقیب مسئولان در مواعد مقررہ ننماید، در مقابلِ ظہرنویس، مسئول است. در عمل، اغلب اوقات، بانک‌ها در شرایط خود [شرط و شروط مندرج در ضوابط و مقررات داخلی بانک فی‌مابین بانک و مشتری] مسئولیت عدم تعقیب یا تأخیر در انجام تشریفات قانونی را از خود سلب می‌کنند و حتی اقدام به اعتراض را موکل به تصریح آن در دستوری که به بانک داده می‌شود، می‌نمایند. این‌گونه شرایط از طرف محاکم صحیح تلقی می‌شود. ولی اگر غفلت و تقصیر بانک محرز باشد، مسئولیت بانک در مقابلِ ظہرنویس، مسلم است.^۱

قراردادی که موکل با وکیل منعقد می‌کند دارای آثاری است به این صورت که قرارداد پس از انشا در عالم حقوق، به‌وجود می‌آید. آثار قرارداد یا عقد گوناگون است که همه آن‌ها برای برطرف کردن نیاز انسانی در روابط اجتماعی وضع گردیده است.^۲ اثر مستقیم و بی‌واسطه وکالت اعطای اذن تصرف به وکیل یا به تعبیر دیگر، دادن اختیار و سلطه درباره موضوع وکالت به او است.^۳

۱. محدوده وکالت:

از آنجا که میان موکل و وکیل رابطه نمایندگی وجود دارد، بنابراین اعمال حقوقی انجام‌شده از سوی وکیل به نام موکل انجام می‌شود و تعهدات ناشی از این قراردادها به گونه مستقیم بر دوش موکل قرار می‌گیرند. برای نمونه، هنگامی که وکیل مال موکل را می‌فروشد، خریدار متعهد به پرداخت ثمن در برابر موکل می‌گردد و ملکیت مبیع از موکل به خریدار منتقل می‌گردد.^۴ اگر وکیل در این میان، خارج از حدود اختیار خود عمل کرده باشد، آثار آن دامن‌گیر وکیل خواهد بود و نسبت به موکل، فضولی می‌شود. به همین دلیل، باید

۱. ستوده تهرانی، همان، ص. ۶۳.

۲. شهیدی، مهدی، *آثار قراردادها و تعهدات*، انتشارات مجد، ج. ۳، ۱۳۸۶، ص. ۱۹.

۳. کاتوزیان، ناصر، *عقود معین*، شرکت سهامی انتشار، ج. ۴، چ. ۵، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۲.

۴. کاشانی، سید محمود، *قراردادهای ویژه*، انتشارات میزان، چ. اول، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۸.

محدوده وکالت وکیل در انجام عمل ظهرنویسی وکالتی مشخص شود تا در صورت بروز اختلاف، وکیل بتواند تقصیر ناشی از این عمل را به وکیل منتسب نماید.^۱

حدود اختیارات نماینده در اعمال تجارتي که جواز آن را از اصیل دریافت کرده است، به اسباب مختلفی معین می‌شود. در وکالت تجاری، حدود اختیارات نماینده توسط اصیل مشخص می‌شود. نمایندگی مزبور ممکن است به‌طور مطلق یا عام اعطا شود. در این صورت، نماینده مجاز است هر عملی را که صلاح بداند در راستای اجرای موضوع نمایندگی انجام دهد. مصداق این مورد، قائم‌مقام تجارتي است که برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه منتصب است.^۲

اگر نمایندگی تجارتي به‌صورت عام و مطلق اعطا شود، نماینده فقط در حدود اعمال تجارتي مجاز به فعالیت است. در این صورت، حق انجام حقوق مدنی را نخواهد داشت.^۳

مگر این که انجام موضوع نمایندگی تجارتي مستلزم به‌جا آوردن اعمال مدنی باشد (اذن در شایسته باشد، می‌توان آن‌ها را داخل در قلمرو صلاحیت نماینده دانست؛ هر چند از ظاهر موضوع تجارتي خارج باشد).^۴

نمایندگی تجارتي ممکن است در اعمال معینی داده شود. در این صورت، نماینده فقط مجاز به انجام اعمالی است که موضوع نمایندگی قرار گرفته است. امکان دارد موضوع

۱. ماده ۶۷۴ قانون مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد: «موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است انجام دهد. در مورد آنچه که در خارج از حدود وکالت انجام داده است، موکل هیچ‌گونه تعهدی نخواهد داشت، مگر این که اعمال فضولی وکیل را صراحتاً یا ضمناً اجازه کند.» اعمال فضولی گفته شده در این ماده اگر در حدود مقررات ماده ۳۰۶ ق.م. و برای دفع ضرر موکل باشد درباره او نافذ است هر چند اجازه نشود. (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات میزان، ج. ۱۳، ۱۳۸۵، ذیل ماده ۶۷۴، ص. ۴۴۰).

۲. ماده ۳۹۵ ق.ت.

۳. بنابراین نماینده تجارتي حق معامله بر اموال غیرمنقول اصیل را نخواهد داشت. شخص ثالث آگاه از نماینده تجارتي بودن طرف، نمی‌بایست به اطلاق اختیارات وی اعتماد نماید که در این صورت قابل حمایت نیست. (حاجیبانی، هادی، حقوق نمایندگی، انتشارات دانش‌نگار، ج. اول، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۲).

۴. مواد ۶۶۴ و ۶۶۵ ق.م.

نمایندگی به صورت جزئی حقیقی باشد. بدین معنی که نماینده فقط مجاز به انجام عمل خاصی در مورد مال معینی باشد. اما ممکن است به صورت جزئی اضافی (نسبت به اعمال تجاری) نیز باشد، بدین طریق که تاجر فقط خرید نوع معینی از مالی را موضوع نمایندگی قرار دهد، در این صورت اگر نماینده خارج از موضوع نمایندگی خود عملی انجام دهد، به اصالت محسوب شده و قواعد تجاوز نمایندگی از حدود اختیارات جاری می‌شود.^۱

نمایندگی اعطایی در امر ظهنرویی وکالتی از نوع اخیر می‌باشد که موکل انجام عمل معینی را از وکیل ظهنرویی درخواست می‌کند. به عبارت دیگر، براساس ماده ۳۵ ق.آ.د.م. که به این مسئله اشاره می‌کند: «وکالت در دادگاه‌ها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثنا کرده یا توکیل در آن خلاف شرع باشد، لیکن در امور ذیل باید اختیارات وکیل در وکالت‌نامه تصریح شود...». احصای وظایف وکیل از امور بدیهی و همگام با مبانی وکالت می‌باشد. در ارتباط با ظهنرویی وکالتی اسناد تجاری نیز موکل باید وظیفه وکیل را به صراحت مشخص کند که این تعیین وظیفه وکیل از جانب موکل، موجب احصای وظایف وکیل خواهد شد و محدوده انجام اعمال او را مشخص خواهد کرد.

ماده ۲۴۷ ق.ت. مقرر می‌دارد که دارنده برات وکالت در وصول، حق وصول و لدی‌الاقضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت. از این عبارت می‌توان تا حدودی به این نتیجه رسید که خود قانون‌گذار تا حدودی محدوده وکیل را در این امر مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، وکالت در وصول، وکالت در اعتراض و اقامه دعوی برای وصول نیز است مگر این که خلاف آن تصریح شود که کوتاهی وکیل در انجام وظایف مزبور موجب مسئولیت او در برابر موکل است.^۲

قانون‌گذار برای ظهنرویی وکالتی شکل خاصی را پیش‌بینی نکرده است. فقط در ماده ۲۴۷ ق.ت. قید «وکالت در وصول» را ضروری دانسته است. بنابراین، هر عبارتی حکایت از وکالت کند، قابل قبول است و اعتبار وکالت در وصول را مخدوش نمی‌کند.^۳

۱. حاجیانی، همان.

۲. دمیرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی و قرائی، محسن، *قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی*، انتشارات میثاق عدالت، ج. ۴، ۱۳۸۴، ذیل ماده ۲۴۷ قانون تجارت، ص. ۵۱۲.

۳. اسکینی، همان، ص. ۱۰۱.

۲. وظایف وکیل:

آنچه که ماده ۲۴۷ ق.ت. در ارتباط با وظایف وکیل احصا کرده است، شامل سه مورد می‌شود:

(الف) حق اعتراض نکول؛

(ب) اعتراض عدم تأدیه؛

(ج) اقامه دعوی برای وصول وجه سند.

البته این وظایف در صورتی امکان برای اقدام دارد که از وکیل سلب نشده باشد.^۱ وکیل مذکور تعهد غایت را ندارد ولی مسئول تأخیر و غفلت در وصول وجه برات است.^۲ منظور از «...جز در مواردی که خلاف آن در برات تصریح شده باشد.» این است که ممکن است برخی از این اعمال را موکل از وکیل درخواست نکند و در محدوده اختیار اعطایی قرار نگیرد مثلاً قید شده باشد که وکیل حق اعتراض ندارد و فقط وکیل در وصول است که در این صورت باید طبق وکالت عمل کند.^۳

۳. موارد خارج از حدود وکالت:

۱. وکیل حق ظهننویسی ندارد، مگر به عنوان وکالت آن هم با اختیار به وکالت در توکیل.
۲. حق طرح دعوی ندارد. زیرا اقامه دعوی در دادگستری مستلزم این است که شخص، خودش یا توسط وکیل رسمی دادگستری با رعایت سایر شرایط، اقدام نماید.^۴
۳. حق سازش و اعطا مهلت ندارد، مگر با کسب اجازه یا قید اختیار مزبور.^۵

۴. پایان وکالت:

وکالت نیز همانند سایر عقود یکی از شیوه‌های توافق طرفین برای رسیدن به مقصود

۱. قسمت اخیر ماده ۲۴۷ ق.ت.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، انتشارات گنج دانش، ج. ۳، چ. ۴، ۱۳۸۸، ش ۹۱۹۲، ص. ۲۴۶۵.

۳. عبادی، همان.

۴. جعفری لنگرودی، همان.

۵. بهرامی، همان، ص. ۱۲۷.

مورد نظرشان می‌باشد که دارای آثار و احکام مخصوص به خود می‌باشد. یکی از مهم‌ترین این احکام قرار گرفتن وکالت در دسته عقود جایز می‌باشد.^۱ عقود جایز را می‌توان هر زمان که طرفین یا طرفی خواست، فسخ کند. حق فسخ عقد جایز، قابل اسقاط است و [با اعمال حق فسخ] می‌توان عقد جایز را الزام‌آور ساخت^۲ ولی قابلیت انحلال عقد جایز، مربوط به ماهیت این نوع عقود می‌باشد که گاه این جواز انحلال، با نظم عمومی یا اقتضای عقد ارتباط دارد؛ مانند جواز وعده نکاح.^۳ در ظهرنویسی وکالتی نیز وکیل همانند عقد وکالت مدنی که يك عقد جایز می‌باشد به طرق مشخص شده در قانون و قرارداد خصوصی پایان می‌پذیرد. ذکر تمامی این موارد در این یادداشت، نمی‌گنجد و تنها به برخی از این موارد که به نظر مهم‌تر می‌باشد، می‌پردازیم.

۱ - ۴ - عزل وکیل:

عقد وکالت، عقدی است جایز و هر زمان وکیل و موکل می‌تواند آن را بر هم زند و تعیین مدت در عقد وکالت نیز آن را لازم نمی‌گرداند و فقط اثر مدت آن است که وکالت در تمامی مدت جایز باقی می‌باشد و پس از خاتمه مدت، دوره وکالت منقضی می‌شود و عمل وکیل که پس از انقضا واقع شده، فضولی خواهد بود. قانون مدنی، ماده ۶۷۸ را در تحت عنوان «در طرق مختلف انقضای وکالت» بیان نموده که منظور از آن انقضای انحلال وکالت در اثناء می‌باشد و به اعتبار آن که وکالت در اثر انحلال خاتمه پیدا می‌نماید، قانون‌گذار آن را «انقضا» نامیده است.^۴

به موجب ماده ۶۷۹ ق.م. «موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند...» پس، موکل نیازی به توجیه کار خود برای عزل وکیل ندارد و در بر هم زدن وکالت آزاد است.^۵ عزل

۱. ماده ۱۸۶ ق.م. در این زمینه مقرر می‌دارد: «عقد جایز آن است که هر يك از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد فسخ کند.»

۲. کاتوزیان، همان، ذیل ماده ۱۸۶، ص. ۱۹۳.

۳. همان.

۴. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج. ۲، ص. ۳۱۰.

۵. کاتوزیان، ناصر، عقود/ذنی، وثیقه های دین، ص. ۱۹۸.

وکیل ممکن است به‌طور ضمنی باشد. چنانکه هرگاه موکل عملی را که مورد وکالت است، خود، انجام دهد، یا عملی کند که با وکالت منافی باشد، یا وکیل دیگری برای انجام مورد وکالت تعیین کند و معلوم باشد که نمی‌خواهد هر دو عمل مورد نظر را انجام دهد (مانند تعیین مدیر برای مؤسسه‌ای که یک مدیر بیشتر ندارد)، اقدام او به‌منزله عزل وکیل است، به‌ویژه در موردی که با آگاهی از وکالت صورت پذیرد.^۱

ظهنروسی که برات را به عنوان وکالت به دیگری واگذار می‌کند، در هر موقع، می‌تواند وکیل خود را معزول نماید، یا حتی بدون این‌که ظهنروسی به عنوان وکالت را باطل کند، خود شخصاً وجه برات مطالبه کند یا مسئولین برات را مورد تعقیب قرار دهد. ولی عزل وکیل باید به اطلاع گیرنده برات برسد یا این‌که ظهنروسی به عنوان وکالت در وصول باطل شود و الا چنانچه براتگیر مبلغ برات را در مقابل اخذ برات به دارنده براتی که برات با ظهنروسی به عنوان وکالت به او واگذار شده است، پرداخت نماید، بری‌الذمه خواهد بود.^۲ وکیل به محض این‌که عزل شد باید اقدامات خود را که در جهت موضوع وکالت انجام داده است متوقف کند و نتیجه آن را به موکل اطلاع دهد و برات را به ظهنرویس توکیلی رد نماید.^۳ در مورد براتگیر، در صورتی که قبولی نوشت، می‌تواند وجه برات را به وکیل تحویل دهد ولی اگر پیش از پرداخت آن، از طرف دارنده اصلی به وی اطلاع داده شود که وکیل را عزل کرده است و وجه را به وی نپردازد باید از پرداخت خودداری نماید و اگر تأدیه کرد، قهراً مسئول خواهد بود.^۴ مسئولیت وکیل در موردی که موکل، وکالت را فسخ نموده و استرداد برات را مطالبه می‌کند و وکیل از دادن آن خودداری نماید نیز محرز است حتی در موقعیتی که وکیل، خارج از حدود اختیار خود، عمل کرده باشد نیز می‌توان قائل به مسئولیت وکیل بود.^۵

۱. کاتوزیان، همان، ص. ۲۰۰.

۲. ستوده تهرانی، همان، ص. ۶۴.

۳. کاتبی، همان، ص. ۲۰۱.

۴. همان.

۵. همان، ص. ۲۰۲.

۲-۴- ورشکستگی وکیل:

ورشکستگی، به وضع بازرگان عاجز از اجرای تعهدات بازرگانی گفته می‌شود؛ یعنی نتواند دیون حال خود را بدهد. توقف از دادن دیون، اعسار است. ملاک این توقف، دارایی حاضر است نه مال‌هایی که از دسترس به دور است؛ یعنی در دارایی حاضر اگر قسمت مثبت دارایی کمتر از قسمت منفی باشد حالت ورشکستگی تاجر محقق است. در تحقق ورشکستگی، صدور حکم اعلامی دادگاه^۱ بر تحقق وضع ورشکستگی ضرورت دارد.^۲

مقررات ورشکستگی از قواعد آمره بوده و اشخاص نمی‌توانند به خاطر حفظ موقعیت و فرار از مقررات خالی از انعطاف قانون تجارت و قوانین مالیاتی، به نام دیگری به کار تجارت بپردازند و عنوان واقعی خود را پنهان دارند. و از این طریق، از مقررات ورشکستگی فرار کنند.^۳ به همین علت، مقررات ورشکستگی شامل وکیلی که به کار تجارت نیز می‌پردازد، می‌شود.

۵. مسئولیت وکیل:

در ظهنروسی وکالتی، وکیلی که از جانب ظهنرویس انتخاب می‌شود باید به این امر توجه کند که موضوع وکالت او یا در عقدنامه اعطای وکالت یا در خود قانون و یا براساس عرف مسلم، مشخص شده است و به همین دلیل، باید مصلحت موکل را در درجه اول مدنظر داشته باشد. طبق ماده ۶۶۳ ق.م. که مقرر می‌دارد: «وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.» و این امر در ذیل ماده ۶۶۷ ق.م. نیز تأکید شده که وکیل باید از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده و یا برحسب قراین و عرف و عادت داخل اختیار اوست، تجاوز نکند. هر عملی که وکیل خارج از حدود وکالت انجام دهد نسبت به موکل فضولی می‌باشد و موکل می‌تواند آن را قبول و یا رد نماید و در صورتی که موکل آن

۱. ماده ۴۱۲ ق.ت. در این زمینه مقرر می‌دارد: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.»

۲. جعفری لنگرودی، همان، ج. ۵، چ. ۴، ۱۳۸۸، ش. ۱۴۶۴، ص. ۳۷۶۲.

۳. صقری، محمد، ورشکستگی، شرکت سهامی انتشار، ج. ۲، ۱۳۸۸، ص. ۶۴.

را نپذیرد و رد کند و از عمل وکیل خسارتی به شخص ثالث وارد آید، وکیل، مسئول خسارات وارده از آن، به موکل خواهد بود. همچنین وقتی شخص ثالث را آگاه به حقیقت امر ننموده، مسئول خسارات وارده به او نیز می‌باشد.^۱ در صورتی که در اثر تقصیر^۲ وکیل در امر وکالت، خسارتی به موکل وارد شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب گردد، وکیل طبق ماده ۶۶۶ ق.م. مسئول آن است. زیرا وکیل نسبت به موکل در این امر مانند اشخاص ثالث است و طبق مقررات مربوط به تسبیب ضامن می‌باشد و اجازه در انجام امر وکالت، رفع مسئولیت از او نمی‌کند. بنابراین هرگاه وکیل تکالیفی را که باید انجام دهد به جا نیاورد و یا از حدود اذن و متعارف تجاوز کند، ضامن خسارات وارده بر موکل خواهد بود. باید به این نکته نیز توجه کرد که اگر وکیل، در انجام امر وکالت، تقصیر ننموده باشد و با وجود این امر، خساراتی متوجه موکل گردد وکیل مسئول آن نخواهد بود، زیرا عملی را که وکیل انجام داده در حدود اختیاری بوده است که از موکل داشته؛ مانند آن است که موکل خود انجام داده باشد. بنابراین موکل مسئولیت خود را تحمل می‌نماید. زیرا وکیل سبب این امر شناخته نمی‌شود.^۳ و^۴

وکیل در ظهن نویسی وکالتی موظف است که سند تجاری را به براتگیر ارائه دهد و اگر نکول کرد، اعتراض‌نامه برای وی بفرستد و به مواعد مقرر برای اعتراض و تکلیف خود برای مراجعه به ظهن نویس‌ها و صادرکننده توجه کند و اگر وجه سند تجاری را یکی از مسئولان پرداخت کرد، نسبت به دریافت آن اقدام کند و چون مالکیتی نسبت به وجه ندارد باید آن را در اختیار مالک قرار دهد.^۵ عدم انجام هر کدام از این موارد باعث می‌شود که وکیل در مقابل موکل، مسئول شناخته شود و موکل می‌تواند با اثبات تقصیر وکیل، او را موظف به

۱. امامی، همان، ص. ۳۰۴.

۲. تقصیر چنانچه که در ماده ۹۵۳ ق.م. می‌گوید اعم از تعدی و تفریط است.

۳. همان.

۴. برای مطالعه بیشتر راجع به مسئولیت وکیل ر.ک.: قهرمانی، نصرالله، *مسئولیت مدنی وکیل دادگستری*، انتشارات نسل نیکان، چ. ۲، ۱۳۸۴، ص. ۸۵ به بعد.

۵. کاتبی، همان.

جبران خسارت وارده به خود یا به شخص ثالث کند. در صورت طرح دعوا، وکیل باید موکل را در جریان امور بگذارد و نسبت به نتیجه دادرسی، هر چه سریع‌تر، آن را به موکل ابلاغ کند. از همه مهم‌تر، امر دادرسی در مواردی جایگاه بسیار حساسی است. به‌عنوان مثال، می‌توان گفت که جلسه اول دادرسی از حساسیت بالایی برخوردار است به‌طوری که اگر خواهان، جلسه اول دادرسی را از دست بدهد به احتمال قوی بسیاری از حقوقی را که می‌توانست براساس آن خود را محق اعلام کند، از بین می‌رود. بسیاری از این موارد را قانون مشخص کرده است که در صورت عدم انجام وظیفه از جانب وکیل، مسئول شناخته می‌شود و بسیاری دیگر از این موارد را می‌توان در قرارداد خصوصی که طرفین یا براساس عقد وکالت یا براساس ماده ۱۰ ق.م. با یکدیگر منعقد می‌کنند، مسئولیت وکیل را مشخص کرد.

در ظهنویسی وکالتی، مسئولیت، تنها محدود به وکیل نمی‌شود بلکه اشخاص ثالث نیز در مقابل وکیل یا موکل، بعضاً مسئول هستند. به‌عنوان مثال، اگر براتگیر که برات به رؤیت او می‌رسد، قبولی نوشت می‌تواند وجه برات را به وکیل تحویل دهد. اگر در این اثنا، خبر عزل وکیل به براتگیر برسد و با وجود این، او مبلغ برات را به وکیل عزل شده تحویل دهد، قهراً در برابر موکل مسئول است.^۱

ظهنویس پس از تفویض وکالت، مالکیت برات را کماکان برای خود حفظ می‌نماید. به اتکای وکالت در وصول، وکیل حق دارد به نمایندگی از ظهنویس برای استیفای تمام حقوق ناشی از برات اقدام کند.^۲ بنابراین وکیل حق ندارد از قسمتی از وجه برات صرف‌نظر کرده یا با بدهکار صلح کند و یا به استناد ماده ۴۷۶ ق.ت. در قرارداد ارفاقی ورشکسته شرکت کند. با این که بدهکار در صورت مراجعه وکیل برای وصول مبلغ برات می‌تواند به ایرادات خود علیه ظهنویس استناد کند ولی نمی‌تواند به استناد ایرادات شخصی علیه وکیل

۱. همان.

۲. این حقوق شامل: مراجعه به بدهکار برای قبول و یا تأدیه وجه برات، اعتراض نکول یا اعتراض عدم تأدیه به منظور امکان مراجعه به ظهنویسان یا ضامن برات، اقامه دعوی، درخواست صدور قرار تأمین اموال بدهکار، مطالبه وجه برات در صورت گم‌شدن سند با رعایت مقررات مندرج در مواد ۲۶۱ ق.ت. و مواد ذیل آن می‌باشد.

از پرداخت وجه برات استنکاف کند. همچنین ظهنویس با تفویض وکالت حق دارد، وجه برات را شخصاً وصول کند و اگر وکیل ورشکست شود می‌تواند لاشه برات‌های مورد وکالت را که بین اموال ورشکسته، موجود است، تصاحب کند، حتی اگر وجوه وصول شده با امارت و قراین خارجی از سایر اموال ورشکسته، مشخص و ارتباط آن با برات مورد وکالت، مسلم باشد، ظهن نویس مجاز است وجوه مزبور را به خود اختصاص دهد.^۱ ذکر موارد دیگر از مسئولیت بستگی به قرارداد بین وکیل و موکل دارد که براساس آن می‌توان انواع مسئولیت‌های هر کدام را احراز کرد.

نتیجه:

وکیل در ظهنویسی وکالتی مسئولیت دارد که موضوع وکالت را که در قرارداد مکتوب فی‌مابین طرفین (وکیل و موکل) آمده است، به انجام برساند. قرارداد موجود میان وکیل و موکل، حدود اختیارات وکیل را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، عمل خارج از حدود اختیارات وکیل موجب مسئولیت می‌شود و باید از عهده خسارت واردآمده، برآید. وکیل با انجام موردوکالت (اعتراض تأدیه، اعتراض نکول و...) وکالتش پایان می‌پذیرد اما ورشکستگی وکیل و عزل وکیل نیز می‌تواند از طرق دیگری باشد که به رابطه قراردادی میان وکیل و موکل پایان می‌دهد.

منابع و مآخذ

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته،...)، انتشارات سمت، چ. ۹، ۱۳۸۴.
۲. بهرامی، بهرام، حقوق تجارت کاربردی، انتشارات بینه، چ. ۳، ۱۳۸۷.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چ. ۳، ۴، ۱۳۸۸.
۴. حاجیانی، هادی، حقوق نمایندگی، انتشارات دانش نگار، چ. اول، ۱۳۸۶.
۵. حسنی، حسن، حقوق تجارت (مشمول بر کلیه مباحث)، انتشارات میزان، چ. ۶، ۱۳۸۷.
۶. دمیرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی و قرائی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، انتشارات میثاق عدالت، چ. ۴، ۱۳۸۴.
۷. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، انتشارات دادگستر، چ. ۳، ۹، ۱۳۸۵.
۸. شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، انتشارات مجد، چ. ۳، ۱۳۸۶.

1. <http://www.vekalat.org/public.php?cat=2&newsnum=541695>.

۹. صقری، محمد، اسناد بازرگانی، شرکت سهامی انتشار، چ. ۲، ۱۳۸۷.
 ۱۰. _____، ورثکستگی، شرکت سهامی انتشار، چ. ۲، ۱۳۸۸.
 ۱۱. عبادی، محمد علی، حقوق تجارت، انتشارات گنج دانش، چ. ۳۰، ۱۳۸۸.
 ۱۲. عرفانی، محمود، حقوق تجارت، انتشارات جنگل، چ. ۳ (اسناد تجاری)، چ. اول، ۱۳۸۸.
 ۱۳. قهرمانی، نصرالله، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، انتشارات نسل نیکان، چ. ۲، ۱۳۸۴.
 ۱۴. کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، انتشارات گنج دانش، چ. ۱۲، ۱۳۸۸.
 ۱۵. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، شرکت سهامی انتشار، چ. ۴، چ. ۵، ۱۳۸۵.
 ۱۶. کاشانی، سید محمود، قراردادهای ویژه، انتشارات میزان، چ. اول، ۱۳۸۸.
 ۱۷. محمدی، جلیل، حقوق بازرگانی، انتشارات فروزش، چ. اول، ۱۳۸۶.
 ۱۸. ملک‌زاده، فهیمه، فرهنگ حقوق تجارت، انتشارات دادگستر، چ. اول، ۱۳۸۹.
19. <http://www.vekalat.org>.

